

کارهای ما را به خطر می اندازد. ما برای غلبه بر این مشکل، نیازمند اخلاق تازه ای در کار تجارت جهانی هستیم و باید از خود گذشت بیشتر نشان بدهیم و چندان به «معجزه بازار» اعتماد نکنیم.

رئیس جمهوری بوش هشتمین و آخرین سخنرانی خود را در مجمع عمومی سازمان ملل که او با آن در این سالها درگیریهایی متفاوت داشته است، ایراد کرد و در آن به رهبران حاضر در جلسه اطمینان داد که آمریکا گامهای اساسی در این راه بر خواهد داشت تا بحران اقتصادی آمریکا که آثار ویرانگری بر مجموع اقتصاد در سراسر جهان دارد برطرف شود. بوش با تکرار و تأیید ضرورت مبارزه با تروریسم، به شاه بیت سخنانش رسید و گفت:

«ما در پی ثبات بازار هستیم و این کار را از طریق جلوگیری از سقوط کمپانیهای بزرگ به دامان ورشکستگی انجام خواهیم داد.» او بر این که اکنون اقتصاد جهان به دقت زیر نظر همگان است، تأکید ورزید. اما برای بسیاری از رهبران و ناظران پرداخت وجه الضمان پیشنهادی دولت آمریکا با ادعاهای پیشین این مملکت که بازار آزاد باید حاکم بر اقتصاد جهان باشد، ناهمخوان است.

«مارک براون» یکی از وزیران کابینه انگلیس که در گذشته از صاحب منصبان ارشد سازمان ملل بوده است، می گوید «آنچه ما اکنون در اینجا می بینیم رنگ و بوی سیاسی دارد و گفتارها و کردارها از یک دوگانگی چشمگیر برخوردار است.»

صرف نظر از سخنرانی های شعارواره متداول در این اجلاسها مانند نطق های فیدل کاسترو و یا سخنان احمدی نژاد که باز هم حرفهای خود را علیه صهیونیسم و آمریکا تکرار کرد، در این اجلاس دوستان نزدیک آمریکا و متحدان این کشور هم با نگاهی انتقادی به وضع اقتصادی و سیاسی آمریکا نگریستند.

رئیس جمهوری «نیکلا سارکوزی»، که یکی از دوستان صاحبمل مقیم فرانسه او را «ناقلا سارکوزی» می خواند، وضع خراب اقتصاد آمریکا را با سالهای ۳۰ و بحران بزرگ اقتصادی این کشور مقایسه کرد و وضعیت موجود را ناسالم خواند و پیشنهاد داد که در ماه نوامبر، کنفرانسی تشکیل شود و رهبران جهان به مسائل بازار از نزدیک بنگرند و برای آن چاره ای بیندیشند. سارکوزی اظهار داشت که در گفتگوهای خود با مسئولان وال استریت همه آنها از چگونگی ورشکستگی ها اظهار بی اطلاعی کرده اند. رئیس جمهور فرانسه گفت «مضحک این است که در روز سووددهی صدا از کسی بر نمی خیزد اما در روز گار خرابی اوضاع، کسی را نمی توان یافت که قبول مسئولیت کند»

از سوی دیگر، خانم آنجلا مرکل نخست وزیر آلمان به شدت از روش آمریکا و انگلستان انتقاد کرد و اظهار داشت که دو سال پیش در کنفرانس گروه ۸ به رهبران

دنیاله مطلب در صفحه ۲۴

گرگها فرمانروائی می کنند
و آن ستمکاران که با هم محرمند
گرگهاشان آشنایان همدند
گرگها همراه و انسانها غریب
با که باید گفت این حال عجیب

معنای زیستن

شب شعر مشیری به خواست خود او با شعر «همیشه با تو» که شاعر آن را به ایرانش، ایران جاودانش تقدیم کرده است آغاز شد و من این وجیزه را با آن شعر به پایان می برم:

معنای زنده بودن من با تو بودن است

نزدیک، دور

سیر، گرسنه

رها، اسیر

دلنگه، شاد

آن لحظه ای که بی تو سر آید مرا مباد

مفهوم مرگ من

در راه سرفرازی تو در کنار تو

مفهوم زندگی است

معنای عشق نیز

در سرنوشت من

با تو، همیشه با تو، برای تو، زیستن

♦ ♦ ♦

سازمان ملل متحد منتقد

خلاصه گزارش واژه نیویورک تایمز از

اجلاس سه شنبه ۲۳ سپتامبر سازمان ملل

اجلاس پائیزی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از همان روز گشایش به مجمع منتقدان سیاستهای آمریکا مبدل شد. نابسامانی های اقتصادی ناشی از شکست بازار بورس و پیشنهاد ۷۰۰ بیلیون دلار وجه الضمان دولتی برای حل مشکل از طرف وزارت خزانه داری و خزانه دار کل به کنگره فرستاده شده است و سر و صدای مخالفان از مرزهای داخلی دولت آمریکا تجاوز کرد و به اجلاس سازمان ملل کشیده شد. لولا داسیلو رئیس جمهور برزیل که معروف به حمایت از جنبشهای کارگری در سراسر جهان است در نطق خود در مجمع عمومی اظهار داشت: «ما نباید اجازه دهیم که بار طمع گروهی اندک بردوش همه سنگینی کند.»

تقریباً تمام رؤسای دولت ها از رؤسای جمهور تا پادشاهان همه در سخنان خود از وضع نابسامان اقتصاد نالیدند و سخن گفتند و به نحوی دولت بوش را که در طول این سالها مخالف دخالت دولت در کار اقتصاد بازار بود، مورد ملامت قرار دادند و از این که باید داروی تلخ وجه الضمان را سر بکشد به کنایه و اشاره چیزی گفتند. «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد در سخنرانی افتتاحیه خود متذکر شد که بحران اقتصادی جهان همه

یادداشتهای بی تاریخ از صفحه ۲۲

هر چه بر جهد و تکاپو می فزود

راه بیرون رفتن از جاهش نبود

آنقدر کوبید بر دیوار سر

تا فرو افتاد خونین بال و پر

جان گرمی بود و آن نعمت لذیذ

لیک آزادی گرمی تر، عزیز

و اینجاست که دلدار آزادگی به شاعر آزاده می گوید به قافیه میندیش و حرفت را بزن. حرفت را طوری بزن که مردم بفهمند و وقتی فهمیدند خود خواهند گفت که: مثنوی مولوی معنوی/ هست قرآنی به لفظ پهلوی.

گرگ درون

شاعر در اوج بیداردلی ناگهان به یاد آن کس که در درون ماست می افتد. نه آنکه در خموشی ما در فغان و در غوغاست. بلکه آن که در من است و با من است و در شب نخوت چراغ سرخ چشم جانفشکارش را به چشم من می دوزد. مرا می درد و دوباره می سازد. در من وحشیانه می زید. آیا لازم است که من از «هرمان هسه» یاد بگیرم که این گرگ کجاست؟ و با من چه می کند؟ یا بهتر آن که از فریدون مشیری بشنوم حکایت گرگ درون را و همراه او به یاد بیاورم شعر بلند فریدون توللی با نام «دیو درون» را که در آن دو پاره من دیوی و فرشته ای به هم آمیخته است:

گوئی دو شد این قالب درد آلود

هر نیمه یکی پیکر ناهمتا

این هر دو منم، آه منم این دیو

و آن شکل پریوار مسیح آسا

و بینیم که فریدون مشیری که همنام آن فریدون بلند آوازه نامهربانی کشیده است این دیو، این گرگ را چگونه حکایت می کند:

گفت دانائی که گرگی خیره سر

هست بنهان در نهاد هر بشر

لاجرم جاریست پیکاری سترگ

روز و شب مابین این انسان و گرگ

زور بازو چاره این گرگ نیست

صاحب اندیشه داند چاره چیست

هر که گرگش را دراندازد به خاک

رفته رفته می شود انسان پاک

وانگه از گرگش خورد هر دم شکست

گرچه انسان می نماید، گرگ هست

وانگه با گرگش مدارا می کند

خلق و خوی گرگ پیدا می کند

مردمان گر یکدگر را می درند

گرگهاشان رهنما و رهبرند

اینکه انسان هست اینسان دردمند

دل می خواهد سرنشینان به ثریا رسیده روسی و آمریکایی سفینه «میر» این شعر را بخوانند و موشک هواکن ها هم برقی از آن به جانشان برسد.

کشف دوباره عشق

کشف دو باره مشیری برای من کشف دوباره عشق بود و انسان و این که شعر «حریه خلق» نیست. بل ریسمان رهایی خلق است و شاعر امروز «یاسمن و سنبل گلخانه فلان» نیست بلکه یک دهان دارد به پهنای فلک تا بگوید شرح عشق و اشتیاق. وقت شاعر در روزگار ما نباید صرف جستن ابزارهای مبارزه باشد. شاعر امروز باید آن نایافته ای را که شیخ گرد شهر با چراغ همی گشت و نیافت، ببیند و بشناسد، با او نشست و برخاست کند. دوستش داشته باشد و آنگاه با کبوتر و پرستو و دشت و شالیزار در هم آمیزد. از برج سییداران با پروانه رنگین بهار، تا به سرچشمه خورشید چرخ زنان بال بگشاید. موسیقی رویش را با موج و نسیم بشناسد. مردمان را با عشق و گل آشتی دهد. خود را در همه آفاق بپراکند و سرود انسان باشیم را سر دهد. دلش از دیو و دد بگیرد و آرزو کند که انسان باشیم:

سر خوشانند ستایشگر خورشید و زمین

همه مهر است و محبت نه جدال است و نه کین

اشک می جوشد در چشمه چشم ناگاه

بغض می پیچد در سینه سوزانم آه

پس چرا ما توانیم که این سان باشیم

به خود آئیم و بخواهیم که: انسان باشیم.

زبان فریدون مشیری بازیافته من، زبان ساده ساحری است که شعر را به آسانی شراب در رگ اندیشه جاری می سازد و مفاهیمی را که دیگران سعی در پیچیده کردن آن دارند به زبانی بی کنایه و بی توسل اشاره به اسطوره های یونانی و آیات قرآنی و بدون تاریخ مصرف که ویژه شعر شعار است به ما عرضه می دارد. آزادی را در قالب یک افسانه کودک پسند عبرت آموز، آنچه که فرنگی ها به آن «فابل» می گویند تعریف می کند:

پشه ای در استکان آمد فرود

تا بنوشد آنچه واپس مانده بود

کودکی - از شیطنت - بازی کنان،

بست با دستش دهان استکان!

پشه دیگر طعمه اش را لب نزد

جست تا از دام کودک و ارهد

خشک لب، می گشت، حیران، راه جو

زیر و بالا، بسته هر سو راه او

روزی می جست در دیوار و در

تا به آزادی رسد بار دگر



علی محمدی
President

SFC
Silicon Financial Corp.
Real Estate Loans - Refinance - Purchases

مشاوران وام و املاک

تیم مجرب، آگاه و پر تلاش

۱-۸۸۸-۹۷۸-۵۶۲۶



رزی بیگری
Broker

برای خرید و فروش زمین، ساختمان مسکونی و تجاری و همچنین
برای دریافت وام با مشاوران با تجربه و آگاه تماس حاصل فرمایید.

انواع وام های بدون دستمزد و بدون خرج

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری و تهیه املاک و زمین جهت سرمایه گذاری
با تخصص در اخذ وام های ساختمانی (Construction) و زمین های مسکونی و تجاری

Give Us A Chance To Beat Any Advertised Rates!



(408) 244-0555

922 Saratoga Ave., Suite 100, San Jose, CA 95129

